



۲۰۱۸/۱۱/۱۱



محمد هدایت

کلاف سردرگم صلح افغانستان

در این که پروسه صلح در افغانستان در تمام سال های گذشته ناکام بوده است شکی وجود ندارد. همگان معترفند که تلاش های چندساله برای تحقق صلح و امنیت در کشور ره به جایی نبرده است و دولت افغانستان در فرایند صلح خواهی و مصالحه ملی علی رغم پرداخت هزینه های سنگین، چیزی به دست نیاورده است.

دلیل این ناکامی از یکسو بی باوری هر دو طرف به صلح و از سوی دیگر ماهیت استخباراتی قضایای افغانستان است. بدون تردید پروسه صلح از این قاعده مستثنی نیست. تحرکات اخیر روسیه در باره صلح افغانستان و دستورالعمل های این کشور به دولت افغانستان نشانه آشکار دخالت های استخباراتی کشورهای منطقه در این پروسه است. رفتارها و ورود روسیه به پروسه صلح افغانستان زمانی بیشتر آشکار می گردد که در این اواخر سلاح های ساخت روسی با همکاری برخی از شرکای منطقه ای آن در دست طالبان قرار گرفته است. بر اساس گزارش های موثق از جبهات جنگی در بسیاری از مناطق افغانستان سلاح های پیش رفته روسی و تجهیزات نظامی به خصوص سلاح های لیزری و دوربین های دید در شب در اختیار طالبان قرار دارد. این مساله به خصوص از جبهه های جنگی در مناطق مرکزی کشور از جمله در ارزگان، دایکندی و جاغوری بیشتر گزارش شده است. این که از چه طریقی این تجهیزات در اختیار طالبان در این مناطق قرار گرفته است و هدف از آن چیست، گمانه های زیادی مطرح است. قبلاً نیز بارها از سوی مقامات آمریکایی و افغان در باره تجهیز طالبان توسط روسیه سخن گفته شده است. سال گذشته در شمال کشور حتی گزارش شد که هلی کوپترهای روسی شبانه تجهیزات نظامی را برای طالبان می رساند. قبلاً روسیه متعهد شده بود که هیچ تروریستی از خاک و امکانات دولتی این کشور استفاده نکند. ولی اکنون نمایندگان طالبان به سان قهرمان در روسیه استقبال و پذیرایی می شوند. از مجموع تحولات نظامی و سیاسی اخیر یک نکته واضح و روشن می گردد که روسیه علاقمند به مداخله تازه در مسایل افغانستان است. این مداخله بیش از آن که با هدف صلح و آرامش در افغانستان باشد، در راستای اهداف نظامی و سیاسی آن کشور در منطقه و در راستای مقابله با کشورهای رقیب جهانی آن است.

تنها روسیه نیست که با پروسه صلح افغانستان برخورد استخباراتی و امنیتی می کند. تمام کشورهای ذینفع و منطقه به شمول کشورهای همسایه افغانستان نه تنها با پروسه صلح بلکه با تمام قضایای افغانستان برخورد استخباراتی دارند. چه کسی باور می کند که پاکستان نتواند طالبان را سر میز مذاکره حاضر کند. چه کسی باورش می شود که اکنون کشور همسایه دیگر یعنی ایران علی رغم داشتن اختلافات ایدئولوژیک با طالبان، اما

اکنون از این گروه حمایت می کند و با آن ارتباط نزدیک دارد؟ همه این مسایل نشان می دهد که هرکسی به گونه خاص و مطابق میل خود با صلح و جنگ در افغانستان برخورد می کند.

صلح افغانستان یک موضوع داخلی و مربوط به افغان ها است. اما تقریباً تمام کشورهای ذینفع در افغانستان به نحوی در این پروسه مداخله می کنند. مداخله کشورهای دیگر در این پروسه و یا دخالت دادن آن ها پروسه صلح را از مسیر اصلی آن خارج ساخته و به انحراف می کشاند. امری که متأسفانه سال ها است تجربه می شود. از مجموع رخدادهای امنیتی و اخبار مربوط به پروسه صلح کشور دو نکته مهم به دست می آید: یک: هرگز صلح در افغانستان توسط کشورهای خارجی تامین نمی گردد. مگر آن که خود افغان ها بخواهند تا به صلح در کشور تن در دهند. جنگ را ما باید تمام کنیم تا صلح به وجود آید. این امر زمانی ممکن است که ما افغان ها اسلحه را زمین بگذاریم و به طور برادروار با همدیگر زندگی مسالمت آمیز داشته باشیم. تا ما نخواهیم نه کسی صلح را برای ما به ارمغان می آورد و نه امکان دارد.

دو: وقتی افغان ها خود به صلح تن ندهند، این پروسه هر روز پیچیده تر و بغرنج تر خواهد شد. اکنون پروسه صلح در افغانستان تبدیل به کلاف سردرگم شده است. بخشی از دلیل این سردرگمی نیروهایی است که هنوز حاضر نیستند به حقوق مردم و ارزش های جدید تمکین کنند و بخشی دیگر مربوط به کشورهایایی است که نمی خواهند این کشور روی آرامش و صلح را ببینند.

پایان